

آرایه‌های ادبی

- **تشبیه:** هر تشبیه چهار جزء یا پایه دارد که معمولاً فقط دو تا یا سه تای آن‌ها ذکر می‌شود و شاعر بقیه را به ما می‌سپارد تا در ذهنمان پیدایشان کنیم؛ اما گاهی هم هر چهار جزء تشبیه در یک نوشته یا سروده ذکر می‌شود؛ مثلاً در جمله‌ی «چمنزار چون مخملی نرم در زیر پای ما گسترده‌بود»:
دو جزء اصلی تشبیه، «چمنزار» و «مخمل» هستند که حتماً باید ذکر شوند، زیرا مهم این است که متوجه‌شویم چه چیزی به چه چیز دیگر مانند شده‌است. (در این‌جا چمنزار به مخمل، مانند شده‌است).
جزء سوم دلیل شباهت این دو است که گاهی ذکر می‌شود - البته قشنگ‌تر آن است که ذکر نشود و ما خودمان آن را کشف کنیم - در این‌جا «نرم‌بودن» دلیل شباهت چمنزار و مخمل است که ذکر شده‌است.
جزء چهارم همانندسازها (آدات تشبیه) هستند؛ نظیر «چون = هم‌چون»، «مثل = مانند» به‌کردار و ...



گاهی دو جزء اصلی تشبیه به صورت مضاف و مضاف‌الیه پشت‌سرهم می‌آیند که می‌گوییم ترکیب اضافی ما یک اضافه‌ی تشبیه‌ی است؛ چند نمونه: مخمل چمنزار، دریای عشق (عشق مانند یک دریا است)، چاه بدبختی (بدبختی مانند یک چاه است که آدم در آن فرومی‌افتد)، خورشید دانش، مروارید اشک و ...

- **جان‌بخشی:** هروقت یکی از کارها یا ویژگی‌های انسان‌ها یا جانداران را به یک بی‌جان نسبت دهیم، جان‌بخشی شکل می‌گیرد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «می‌خواستم زمین دهن باز کنه و منو قورت بده!»، «زمین» جان‌بخشی دارد.



اگر ما با یک بی‌جان حرف بزیم یا برایش پیغام بفرستیم یا او را نفرین کنیم یا هر کاری که فقط با یک آدم انجام می‌دهیم، با او هم انجام بدهیم، باز هم جان‌بخشی داریم. اما در این مورد آن بی‌جان کاری نکرده‌است، با این حال ما او را آدم حساب کرده‌ایم! نمونه:
از زمین زیر پایم خجالت می‌کشم («زمین» آدم فرض شده‌است) // به آفتاب سلامی دوباره خواهم کرد (آفتاب آدم فرض شده‌است).

- **مبالغه:** هروقت صفت یا کاری را به کسی یا چیزی نسبت بدهیم، در حدی که امکان دست‌پیدا کردن به آن صفت یا انجام آن کار در واقعیت ممکن نباشد، مبالغه کرده‌ایم؛ نمونه:
از حرف‌هاش، بجهی توی گهواره هم خنده‌ش می‌گیره! (مبالغه در خنده‌دار بودن حرف‌های کسی)



- از خدا چند روز کوچک‌تره! (مبالغه در سال‌خوردگی کسی!)
 - ای آفتاب آهسته نه پا در حریم یار من / ترسم صدای پای تو خواب است و بیدارش کند (مبالغه در سبک‌بودن خوابِ معشوق)

- **کنایه:** هروقت حرفی که می‌زنیم **نشانه‌ای** باشد از منظور و واقعی ما، حرفمان را با کنایه بیان کرده‌ایم؛ نمونه:
 - دست و پایش می‌لرزد ← **نشانه‌ی** این که خیلی می‌ترسد ← کنایه
 - آب از دستش نمی‌چکد ← **نشانه‌ی** این که خیلی خسیس است و خیرش به کسی نمی‌رسد (حتی نمی‌گذارد پس از شستن دست‌هایش، قطره‌ی آبی از آن روی زمین بچکد و حرام شود!) ← کنایه
 - مگر در خواب ببینی ← **نشانه‌ی** این که هرگز به وقوع نخواهد پیوست ← کنایه
 - نمی‌گذارم سر مویی از او کم شود ← **نشانه‌ی** این که کاملاً مراقب او هستم ← کنایه



رمز تشخیص کنایه، همین واژه‌ی نشانه است و بس.

پرسش‌ها

۱۳۶- در بیت زیر کدام آرایه‌ی ادبی به کار رفته است؟ (آزمون سمپار، ۸۳-۸۱)

«بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران»

۱) تشبیه ۲) مبالغه ۳) آدم‌نمایی ۴) تضاد

۱۳۷- در کدام گزینه «کنایه» آمده است؟ (آزمون سمپار، ۹۰-۸۹)

۱) دورشو دست از سرم بردار ۲) خوب در حال من تأمل کن
 ۳) چند روزی مرا تحمّل کن ۴) ریشه‌هایم ز خاک بیرون است

۱۳۸- در کدام بیت زیر تشبیه دیده نمی‌شود؟

۱) آسمانی داشتم آبی و سبز / دست‌هایم بود در دستان باد
 ۲) کودکی چون کوچه‌باغی دل‌گشا / خانه‌هایی داشت از جنس بلور
 ۳) نهر امید از کنارش می‌گذشت / برکه‌ی اندوه و ماتم بود دور
 ۴) آرزو دارم که یک‌بار دگر / دست و رو شویم به آب کودکی

۱۳۹- در بیت «در هجوم سایه‌های سرد کاش / می‌درخشید آفتاب کودکی» کدام مورد دیده نمی‌شود؟

۱) جان‌بخشی ۲) تضاد ۳) اغراق (مبالغه) ۴) تشبیه



۱۴۰- در سروده‌ی «نرم‌نرمک ز درخشندگی اختر صبح / می‌شود سینه‌ی شب باز، چو دودی ز نسیم»

چه چیزی به چه چیزی تشبیه شده‌است؟

- (۱) دود به نسیم
(۲) اختر صبح به درخشندگی
(۳) شب به دود و نسیم
(۴) اختر صبح به نسیم

۱۴۱- در کدام گزینه کلمه‌های مخالف و متضاد وجود ندارد؟

(آزمون سمپار، ۸۶-۸۵)

- (۱) قطره‌قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
(۲) کار نیکو کردن از پر کردن است
(۳) خفته را خفته کی کند بیدار
(۴) در نیابد حال پخته هیچ خام

۱۴۲- کدام گزینه فاقد «شخصیت‌بخشی» است؟

(آزمون سمپار، ۸۴-۸۳)

- (۱) ما همان چشمه‌های کم‌آبیم
(۲) تگه‌یخ‌ها به گریه افتادند.
(۳) پرسید کرم را، مرغ از فروتنی
(۴) وز سر که رُخ نمود لاله‌ی شیرین‌لقا

۱۴۳- در کدام مصراع «جان‌بخشی» دیده‌می‌شود؟

(آزمون سمپار، ۸۷-۸۶)

- (۱) تو به آفتاب گفتی به زمین قدم گذارد
(۲) تو در آن زمان که نامی ز جهان نبود، بودی
(۳) به گیاه تشنه گفتی که از آب آن بنوشد
(۴) به خزان اجازه دادی که گل از چمن بچیند

۱۴۴- با توجه به سروده‌ی زیر در کدام مصراع تشبیه دیده‌می‌شود؟

«شکوفه‌ی سپیده‌دم / به خنده چون گشوده لب

ز شاخسار صبح‌دم / پرید زاغ پیر شب»

- (۱) مصراع نخست
(۲) مصراع دوم
(۳) مصراع سوم
(۴) مصراع چهارم

قافیه‌ها و قالب‌های شعر

واژه‌های قافیه باید در آخرین صدا (ـَ، ـِ، ـُ، آ، او، ای) یکسان باشند؛ مانند: «خدا» و «دعا» // «بو» و «آلو» و اگر پس از آخرین صدا، حرفی یا حرف‌هایی بیاید، باید در هر دوتا کاملاً شبیه هم باشد؛ مانند: «دوست» و «پوست» // «ره‌اند» و «ستانند» // «بست» و «شگست» // «نخست» و «درست» // «اسم» و «طیسم» // «بد» و «کشند» (همه‌ی این واژه‌ها در آخرین صدا و حرف‌های بعد از آخرین صدا، یکسان هستند). اگر دو واژه فقط در «ها» یا «ان» جمع یا پس‌وند «ی» یکسان باشند، نمی‌توانند قافیه باشند؛ مثلاً «تخت‌ها» و «اتاق‌ها» یا «عاشقان و هواداران» یا «مردی و زنی» واژه‌های قافیه به شمار نمی‌آیند. اما «تخت‌ها و درخت‌ها» یا «هواداران و سواران» یا «مردی و زردی» واژه‌های قافیه هستند، زیرا «تخت» با «درخت» هم‌قافیه است و حالا آمدن «ها» در پایان آن‌ها مشکلی برای قافیه به‌وجود نمی‌آورد.



۱۳۶- پاسخ گزینه‌ی ۴ در میزان دردناکی و اندوه‌آفرینی دوری از معشوق، مبالغه شده‌است. تشبیه و آدم‌نمایی بیت هم روشن و آشکار است.

۱۳۷- پاسخ گزینه‌ی ۱ «دست برداشتن از سر کسی» نشانه‌ی این است که دیگر نمی‌خواهیم از او حمایت کنیم یا دیگر کاری به او نداریم ← دست برداشتن از سر کسی مفهوم کنایی دارد.

۱۳۸- پاسخ گزینه‌ی ۱ این که آسمان آبی و سبز است، یک توصیف است نه تشبیه. دقت کنید که «آبی» و «سبز» در این جا صفت‌های آسمان هستند نه این که چیزهایی باشند که آسمان به آن‌ها تشبیه شده‌باشد. در گزینه‌ی دوم «کودکی» به «کوچه‌باغی دل‌گشا» مانند شده‌است. در گزینه‌ی سوم «امید» به یک «نهر روان» و «اندوه» به یک «برکه‌ی ساکن» تشبیه شده‌است (هر دو به صورت اضافه‌ی تشبیه‌ی آمده‌است). در گزینه‌ی چهارم، «کودکی» به «آب» مانند شده‌است؛ آبی که می‌توانیم با آن به وجودمان صفای دوباره‌ای ببخشیم!

۱۳۹- پاسخ گزینه‌ی ۳ چون «هجوم آوردن» را به «سایه‌ها» نسبت داده‌است، به آن‌ها جان بخشیده‌است. «سایه» و «آفتاب» با هم در تضاد هستند. شاعر «کودکی» را به «آفتابی» تشبیه کرده‌است که در برابر سایه‌های سرد زندگی به ما گرما می‌بخشد.

۱۴۰- پاسخ گزینه‌ی ۴ باید به معنای بیت توجه کنیم: آرام آرام، هم چنان که با وزش نسیم، دود تیره کنار می‌رود، درخشش اختر صبح (خورشید) هم سینه‌ی تاریک شب را باز می‌کند و سیاهی را از میان می‌برد.

۱۴۱- پاسخ گزینه‌ی ۲ قطره و دریا، خفته و بیدار، پخته و خام، در سه گزینه‌ی دیگر متضاد هستند.

بچه‌ها، در این جا چون کوچکی «قطره» مورد نظر شاعر است با «دریا» که نماد بزرگی و گستردگی است در تضاد قرار گرفته‌است، و گرنه اگر مثلاً بگوییم «قطره‌ای از موج دریا به صورت تم شاید» دیگر کوچکی قطره را در مقابل بزرگی دریا قرار نداده‌ایم، و در چنین جمله‌ای بین این دو واژه تضادی به وجود نیامده‌است.

۱۴۲- پاسخ گزینه‌ی ۱ در این جا، شاعر آدم‌ها را به چشمه‌های کم‌آب تشبیه کرده‌است نه این که چشمه‌های کم‌آب را آدم فرض کرده‌باشد.

۱۴۳- پاسخ گزینه‌ی ۲ «قدم گذاشتن»، «نوشیدن» و «گل‌چیدن» کارهایی هستند که نیاز به تصمیم و اختیار دارند، پس نسبت دادن آن‌ها به آفتاب، گیاه و خزان جان‌بخشی به حساب می‌آید.

۱۴۴- پاسخ گزینه‌ی ۲ «سپیده‌دم» به «شکوفه» مانند شده‌است و «صبح‌دم» به شاخه‌ای که «شب» مانند کلاغی سیاه از روی آن می‌پرد و دور می‌شود.

